

## آداب مسکن در سیاستنامه‌های اسلامی - ایرانی

مریم سعیدیان جزی<sup>۱</sup>

### چکیده

مسکن یکی از عناصر مهم در اجتماعات انسانی است و دریافت قواعد حاکم بر آن در فهم چیستی تمدن‌ها و امکان ایجاد خلاقیت‌های فرهنگی و تمدنی سهم به سزایی دارد. آداب مسکن همچنین یکی از مسائل مورد توجه اندیشمندان ایرانی - اسلامی بوده و آثار آنها در ذیل عناوینی چون سیاستنامه، قواعدالسلطین و میزان‌الملوک به زبان فارسی تألیف شده است. در این کتاب‌ها مسئله مسکن در ذیل سیاست مدن و تدبیر منزل قرار گرفته و یکی از شروط کمال فردی و تعالی اجتماعی به شمار می‌رود. این دست نوشته‌ها که غالباً برای ملوک انشاء می‌شد، به واسطه درک عینی از واقعیات و سنت‌های اجتماعی، برخورداری از پیشینه دانش حل مسئله و بهره گرفتن از آموزه‌های دینی و تجارب پیشینیان از اهمیت اساسی برای طراحی تمدن اسلامی - ایرانی برخوردار بوده است. آنچه دریافت می‌گردد آنکه سیاستنامه‌ها رهیافت‌های مهمی را در حوزه‌های مختلف اعم از ضرورت توجه به مسکن، چگونگی برخورداری از مسکن و حقوق مرتبط با آن و جایگاه حکومت و مردم ارائه داده‌اند. این تحقیق بر آن است تا با استخراج و استنباط دلایل و اصول حاکم بر این اندیشه و تحلیل آن، راهبرد مبتنی بر مطالعه تاریخی - تمدنی را برای تدوین الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی پیشنهاد دهد و مدعی است این الگو به جهت برخورداری از توان عقلی و شرعی و مطابقت با طبیعت و فطرت بشری توان پاسخگویی به مسائل مختلف انسان و جامعه امروزی را دارد.

**واژه‌های کلیدی:** آداب، قواعد، عقل، شریعت، مسکن، سیاستنامه، ایرانی، اسلام

### ۱- مقدمه

سیاستنامه‌ها شامل کتاب‌ها و رساله‌هایی است که اصولاً به آداب مملکت داری و اداره بلاد توجه دارد. در این دسته کتابها ضمن توجه به حفظ قدرت موجود، اندیشه‌های مردان علم و سیاست در قالب باید و نبایدهای اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و دینی بیان شده است. این آثار علاوه بر وصف اوضاع فرهنگی، اجتماعی و عمرانی جامعه ی پیرامونی خود، به نقد آن نیز مبادرت کرده و برای ساخت جامعه ای مطلوب اندیشه و نظرگاه خود، لطایف و ظرایف مهمی را بیان کرده‌اند. از جمله این مسائل توجه به مسکن و خانه بود که آن را تحت عناوین مختلفی چون تدبیر منزل و سیاست مدن یا آداب مسکن و خرید ضیاع و عقار بیان کرده‌اند.

مسکن و منزل به عنوان نخستین پایگاه و مأمن برای حفظ و رشد انسانی یکی از اهم موضوعاتی است که در کتب سیاستنامه مورد توجه قرار گرفته است. در این آثار فرایند قرار گرفتن در مسکن اعم از مکان و زمانی که فرد مالک آن می‌شود، تا طراحی بنا و قرار گرفتن اجزا و ترکیب و برپا کردن آن و به کار گرفتن مصالح، همگی در قالب مباحث فلسفی و عملی برای ارائه جایگاه مناسب برای رشد و تعالی انسانی طراحی شده و گاه با ادبیات دینی یا

<sup>۱</sup>. استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان: msaeedyan@ltr.ui.ac.ir

اخلاقی و سیاسی بیان شده و در این زمینه از قالب‌هایی چون حدیث و فقه و شعر و ضرب‌المثل و داستان بهره گرفته و بسیاری از سؤالاتی را که در این حوزه مطرح است پاسخ داده است.

آداب مسکن به عنوان یکی از ابعاد زندگی دینی بیشتر در ذیل کتب اخلاقی و توصیف سیره پیشوایان معصوم آمده که از آنجمله می‌توان به کتاب سنن النبی تألیف علامه محمد حسین طباطبایی (۱۳۶۰) و کتاب اخلاق و آداب زندگی در شریعت اسلامی (۱۴۱۰) تألیف شیخ عبدالله مامقانی اشاره کرد. همچنین برخی از احکام فقهی و حقوقی اسلام در این زمینه در کتاب احکام و آداب مسکن (۱۳۸۳) تألیف غلامرضا گلی زواره جمع‌آوری شده که عمدتاً مبتنی بر بیان توصیه‌های دینی است که به صورت حدیثی-روایی نقل شده است. در عین حال چند نمونه مقاله در باب سازه‌ها و مسکن در ایران قدیم مانند مقاله قلعه نشینی فرامرز پارسی، مسکن در بافت قدیم بابل بزرگ نیا در دو ماهنامه معمار چاپ شده (۱۳۸۵ شماره ۳۹) است. در همین راستا تحقیقات محدودی درباره سیاستنامه‌های فارسی انجام گرفته و بیشتر به معرفی کلی آثار معروف در این زمینه پرداخته است. مقاله سیاستنامه نویسی در ایران تألیف مقصود رنجبر (مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی ۱۳۸۷ ش ۲۵۸) و توصیف عوامل موثر بر اندیشه سیاسی خواجه نظام الملک، امیر اکبری (فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۷، زمستان ۱۳۸۶) از این دست است. بر این اساس این تحقیق ضمن بهره‌برداری از آثار مختلف سیاستنامه اسلامی-ایرانی و در نظر گرفتن تفاوت‌های فکری و نوشتاری این آثار، بر این عقیده است که به بهانه بررسی آداب مسکن و مسائل آن؛ می‌توان بسیاری از ابعاد فکری و فرهنگی گفتمان تمدن اسلامی-ایرانی را بر اساس این میراث علمی-تمدنی؛ روشن، بازخوانی و مورد استفاده قرار داد.

ضرورت و اهمیت بحث از چند جهت قابل دریافت است: نخست آن که این آثار برگرفته از واقعیات‌های اجتماعی تمدن اسلامی بوده و عموماً ناظر بر اجتماع پیرامون خود است و در صدد است تا با استفاده از احادیث و مبانی فقهی، جامعه دینی را در جهات مختلف بیان کنند و نقش‌نظارتی هدایتی و حمایتی حاکمیت را مورد تأکید قرار دهد. چنان که در عناوین این آثار عباراتی چون ملوک، سلاطین، وزراء و غیره آمده است. همچنین این آثار به بیان تفاوت‌ها و شباهت‌های مسائلی که امروزه در حوزه مسکن و عمران وجود دارد می‌پردازد و راهکارهای مهمی را که قابل بهره‌برداری است؛ ارائه می‌دهد. با توجه به اهمیت این موضوع در عمران و تعالی جامعه اسلامی معلوم می‌گردد در فرهنگ اسلامی ایرانی مسکن جایگاه مهمی در تکامل شخصیتی، تقویت دینداری و اصلاح مناسبات اجتماعی دارد. با توجه به اهمیت این موضوع و عدم وجود سوابق مبتنی بر پیشینه مطالعات تاریخی-تمدنی در این زمینه؛ می‌توان گفت این مطالعه از منظری نو وارد شده و از این رو یکی از رهیافتهای جدی در تدوین الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت را تبیین نموده است. همچنین با توجه به رویکرد این تحقیق؛ دریافت اندیشه سیاسی حاکم بر دولتهای اسلامی و برون‌رفت آن را از منظر توصیف و تحلیل تاریخی مدنظر قرار داده این الگو می‌تواند در معماری و خانه‌سازی امروز و فردای ایران اسلامی مورد توجه قرار گیرد. سؤالات اصلی این تحقیق شامل موارد زیر می‌شود: ضرورت و جایگاه مسکن در سیاستنامه‌های فارسی تا چه حد است؟ اصول و قواعد حاکم بر مسکن در این اندیشه چیست؟ مسکن چه نقشی در کمال فردی و اجتماعی دارد؟ نسبت میان مسکن با نیازهای طبیعی، اندیشه دینی، گزاره‌های اخلاقی و مدیریت اجتماعی چیست؟ دستورالعمل‌های سلبی و ایجابی در این زمینه کدام است؟

رهیافت جدی آن است تا به واسطه بازخوانی و تقویت پیشینه هویتی تمدن اسلامی؛ امکان طراحی و ارائه ایده های راهبردی برای جامعه امروزی فراهم گردد. روش تحقیق تحلیلی- توصیفی با رویکرد مطالعات تاریخی است که با استفاده از سیاستنامه های فارسی صورت گرفته است.

## ۲- اصول و قواعد حاکم بر آداب مسکن

۱-۲- ضرورت مسکن و لازمه بقاء:

در مواجهه با این سؤال که جایگاه مسکن در اندیشه بشری چیست؟ می توان به گونه های مختلف پاسخ داد. برخی تأمین معاش را هدف اصلی زندگی و حیات می دانند، چنان که مکاتب بشری مادی نگر چنین می اندیشند و برخی دیگر مانند اندیشه دینی - اسلامی تأمین معاش و مسکن را در زمره لوازم و ضروریات و هدف عملی زندگی در این دنیا می داند.

مطابق با تفکر دینی حاکم بر برخی از آثار سیاستنامه ای معلوم می گردد؛ تدبیر امر مسکن برای انسان به اندازه تأمین سایر نیازهای روزانه اش مانند نیاز به خوردن و پوشیدن اهمیت دارد و الزامات عقلی- شرعی بشمار می آید که البته ضرورت عقلی آن به راحتی قابل دریافت و ضرورت دینی آن به واسطه نصوص دینی به دست می آید (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ۷۴، ۱۵۵).

مرحوم سبزواری در جهت تبیین این مقوله می نویسد هر انسان عاقلی می داند که برای زنده ماندن علاوه بر برطرف کردن امیال غریزی، برای امنیت فردی و خانوادگی نیاز به سر پناهی دارد تا از خطرات مصون بماند و با تأمین ضروریات معیشت (مقصود بالغیر) راه وصول به مقصود حقیقی فراهم گردد (ر.ک: سبزواری، ۱۳۸۳، صص ۶۱-۶۲).

۲-۲- ضرورت زندگی اجتماعی:

یکی از موضوعات مهم در باب مسکن، تلازم آن با خلقت و طبیعت انسان است. انسان موجودی است اجتماعی بنابراین نمی تواند نیازهایش را جز در کنار جمع برطرف کند بلکه همواره باید با کمک و معاونت و همراهی یکدیگر در جهت تأمین غذا و خوراک و پوشاک و مسکن زندگی را بگذرانند (ر.ک: سبزواری، ۱۳۸۳، ۶۳). درمتون سیاستنامه ضمن تصریح براین ضرورت، معتقدند که تلازم میان زندگی اجتماعی و تمدن امری جدی و حیاتی است (ر.ک: سبزواری، ۱۳۸۳، ۶۵-۶۴).

۳-۲- اصالت و حجیت شریعت:

چنانچه این باور باشد که دنیا دارای قابلیت اعتباری برای کمال انسانی است؛ این سؤالات مطرح می شود که آیا رابطه ای میان آموزه های دینی و مسکن وجود دارد؟ چنانچه رابطه ای است این رابطه تبلیغی است یا ماهوی؟ گزاره های دینی مولوی و التزامی است یا ارشادی؟ و سؤالاتی از این قبیل..

در پاسخ می توان گفت رسالت دین تربیت انسان متعادل و متوازن و رهنمون کردن و ارائه راه روشن برای سعادت و رستگاری است و گرنه درگیری و نزاع ایجاد می شود. پس دریافت عقلی و براهین شرعی ایجاب می کند تا برنامه ای برای تداوم حیات و اصلاح امور باشد تا هر کس به آن چه می خواهد و مستحق اوست، برسد و تعدی و

## چهارمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

تصرف در حقوق به وجود نیاید. این تدبیر محتاج به وجود پیغمبری است که در صفات و کمالات بی همتا بوده و فرستاده از جانب خداوندی است که آگاه به تمام امور انسان است تا همه در سایه آن به آرامش برسند و فساد و فتنه از بین برود. با توجه به این امر میان ضرورت وجود شریعت و تامین معاش و مسکن یک تلازم عینی و منطقی وجود دارد. در پرتو یک مکان مناسب و مسکن خوب است که انسان می تواند به تهذیب نفس بپردازد و در امنیت و آرامش، احکام الهی را اجرا کند (ر.ک: سبزواری، ۱۳۸۳، ۶۵-۶۴). از این رو بنا بر مصلحت و به حکم عقل انسان باید برای حفظ دین، بدن و اموال و سایر ضروریاتی که برای معیشت او ضروری است، خانه ای را بنا کند. خانه عبادتگاه مومن و محل تامین نیازهای طبیعی و معنوی اوست مشروط به آنکه در انجام این مهم فعل او موجب فساد در دین او نشود و در همه موارد رعایت استحکام و حکمت را بنماید (ر.ک: دارابی، ۲، ۱۳۸۱/۷۲۳) و این خانه "معین بر نفس و بر کمال آن که معنای دین است باشد، نه این که از آثار جهل و مانع و صارف از حق نفس و کمال آن باشد" (دارابی، ۱۳۸۱، ۷۲۰).

### ۴-۲- اعتبار عقلی در مسئله مسکن:

فراهم آوردن مسکن از احکام عقلی و بدیهیات حیات طبیعی است. از این رو در سیاستنامه های ایرانی- اسلامی این مسئله در قالب آداب سکون بیان شده است. دارابی حضور عقل را در تمام مسائل مسکن مورد توجه قرار داده و معتقد است مسائل و مشکلات پیش آمده عمدتاً ناشی از مقتضای عادت و به طریق غفلت و از آثار جهلی است که در صورت به آثار عقل شبیه می باشد" و از این مسئله نتیجه می گیرد که "پس چون که دیده می شود که نقش و نگار و سایر اسرافات و محرمات و مکروهات دیگر که از آثار جهل است در آداب خانه داری ایشان به هم می رسد .. معلوم می شود که آداب دیگری که در ظاهر و در صورت ممدوح و نیکو است .. هر آینه در حق ایشان از آثار عقل نیست و به مقتضای عادت و هوای نفس است ایضا" (دارابی، ۱۳۸۱، ۷۲۹/۲)

اقوال دیگر هم هم بیانگر آن است که عقل از لوازم ایمان و نشانه های اخلاق بوده و تخلف از آن از مظاهر فساد و جهل است (ر.ک: سبزواری، ۱۳۸۳، ۱۲۶). اما قرآینی که مراتب عقل و جهل را مسکن نشان می دهد عبارتند از: شأن اجتماعی، کسب حلال، دوری از ریا و سمعه، رعایت آداب خانه سازی و استیفای حقوق خانه (ر.ک: دارابی، ۱۳۸۱، ۷۲۹/۲) که پس از این توضیح داده خواهد شد.

### ۵-۲- اهمیت عدل و انصاف در مسکن:

عدل در آداب مسکن به مثابه میزان و معیار تشخیص حق از ناحق است و مصداق آن سادگی و استحکام بنا، رعایت آداب مسکن و پرهیز از ضایع کردن حق دیگران است. ارتباط میان عدالت با مسکن، در سیاستنامه های اسلامی- ایرانی با رویکردهای اخلاقی، سیاسی و فقهی آمده است. به عنوان مثال عنصر المعالی در مواعظ خود در تدبیر مدن و تدبیر منزل بر نسبت مستقیم میان عدل و آبادانی تأکید می کند و می نویسد: "پس بیداد را در دل خویش راه مده که خانه ملکان دادگر دیر بماند و قدیمی گردد و خانه بیدادگران زود پست شود زیرا که داد آبادانی بود و بیداد ویرانی" (عنصرالمعالی، ۲۳۳، ۱۳۸۳).

### ۳- آداب انتخاب مسکن:

مقولاتی چون انتخاب مکان، مساحت و برخی دیگر مقولات مرتبط با این مسئله در متون سیاستنامه ای عمدتاً برگرفته از اخبار روایی، سیره پیشوایان معصوم و بعضاً فرهنگ عمومی و عرف است ولی آنچه مهم است این که مجموعاً اصول حاکم بر مسکن و خانه سازی مطابق با فرهنگ دینی و نیازهای انسانی است. قواعد مهمی که در این آثار مطرح شده، عبارتند از:

#### ۱-۳- اولویت مکان شهری:

انسان مدنی الطبع است و شهرها محل تراکم انسانها، تجمع امکانات و خلاقیت فرهنگی و فکری بشری است. این موضوع به ویژه مورد توجه سیرالملوک بوده و آن را عاملی برای تقویت انسان، افزایش امید به زندگی و رفع نیازها می دانند (اصفهان، ۱۹۴، ۱۳۶۴). مثلاً عنصرالمعالی در نصیحت به فرزندش می نویسد: "بیشتر از آنکه در حضر بوده باشد، هرگز آرزوی خانه مکن و زاد و بود مطلب... اما وطن خویش تا بتوانی در شهرهای بزرگ ساز و اندران شهر باش که ترا سازگار باشد" (ر.ک: عنصرالمعالی، ۱۳۸۳، ۶۳)

#### ۲-۳- تعلقات وطنی:

انسانها عموماً علاقمند به سکونت در سرزمینی هستند که سرزمین آباء و اجداد آنها بوده و به آن تعلق خاطر دارند. این علاقه البته محاسن و معایبی دارد. از آنجمله باعث آبادانی بلاد و مانع نفوذ و سلطه بیگانگان بر کشور و سرزمین و جان و ناموس می شود. اما این مقوله در نگاه اجتماعی سیاستنامه نویسان یک آفت به شمار آمده و مانع رشد و سعادت می شود (ر.ک: عنصرالمعالی، ۱۳۸۳، ۶۳).

#### ۳-۳- شغل و حرفه:

یکی دیگر از نکات مهم قرابت محل کسب با سکونت است. راوندی به نقل از رسول الله (ص) روایت می کند یکی از چهار خویشختی مرد آن است که محل کسب او در سرزمین خودش باشد (راوندی، ۹۳، ۱۳۷۰). این مهم در زمره توصیه های اخلاقی - راهبردی نویسندگان سیاستنامه هم بوده؛ مسئله رونق کاری، آینده شغلی و پیشرفت فرد (ر.ک: عنصرالمعالی، ۱۳۸۳، ۶۳) و ارتقاء سطح زندگی را منوط به انتخاب مسکن و سکونت در شهرها و اجتماعات عظیم می دانند (ر.ک: سبزواری، ۱۳۸۳، ۶۳).

#### ۴-۳- اهمیت آب و هوا و اقلیم:

طبع آدمی معتدل است، پس عقلاً انتخاب مسکنی که از همه جهات در اعتدال باشد ضرورت دارد. نتیجه این امر آن است که "در بدن و نفس تأثیر معتدلی بیخشد و مستعد اشراق عقل و افاضه نور ایمان بگردد" (دارابی، ۲، ۱۳۸۱-۷۲۰-۷۲۱). سابقه تاریخ بشری هم نشان می دهد عاملی که باعث تجمع انسانها و پدید آمدن مسکن و شکل گیری تمدن ها شده، آب و هوای مناسب بوده است. دارابی این مقوله را در زمره نخستین

## چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

مساله در انتخاب مسکن قرار داده، ضریب همبستگی میان آب و هوا با ایمان و تامین معاش را رابطه ای مستقیم و موثر می داند (ر.ک: دارابی، ۱۳۸۱، ۷۲۱).

### ۵-۳- همسایگان:

بشر دارای خصلت اجتماعی، تأثیر پذیری و کمال طلبی است و مناسبات اجتماعی اش اقتضا می کند تا با دیگران همنشین شود. این مهم در آداب مسکن هم لحاظ شده و یکی از ملاکهای مهم در انتخاب منزل بشمار می رود. همسایه از جمله عوامل مهمی است که بر خلق و ایمان و امنیت و زندگی فرد اثر می گذارد. نویسنده تحفه الملوک در این زمینه می نویسد: "پس لازم آن است که با کسی همسایگی بنماید که معین امر دین و سبب تکمیل نفس و صلاح امر معیشت او باشد و ... لااقل همسایه باشد که مانع و مزاحم او نباشد و امر دین این کس را فاسد و معیشت را بر این کس تلخ نگرداند" (دارابی، ۲، ۱۳۸۱/۷۲۱-۷۲۲).

### ۶-۳- اهمیت ایمان مردمان و سابقه بلاد:

ایمان عامل سلامت حیات و نزول برکات الهی و دفع نقمات است. چراکه ایمان و کفر موجودات بر همه نظام عالم تأثیر گذاشته و از آن جمله زندگی انسان را تحت تأثیر قرار می دهد (ر.ک: دارابی، ۲، ۱۳۸۱/۷۲۲). دارابی هم چنین برکت و شومی سرزمینها را مدنظر قرار داده، می نویسد: "و در بلاد حرب و کفار و مخالفین مذهب و ملت و رساتیک و دهستان و امثال آنها که اقامه دین خود را در آنجا نمی توان نمود و تکمیل نفس و دین داری بر این کس متعذر یا متعسر است، مسکن و مأوا نگیرد." (دارابی، ۲، ۱۳۸۱/۷۲۱-۷۲۲). دیگران هم به این موضوع توجه داشته و گاه برای رعایت اختصار و ایجاز شواهد شعری و ضرب المثلهایی را آورده اند (ر.ک: غازی، ۱۳۸۳، ۵۹۸ و ۶۲۹-۶۳۰).

### ۷-۳- امکانات و منابع:

از مقولات مهم در رشد جمعیت و رونق بلاد، تجمع امکانات و منابع طبیعی و انسانی و سرمایه های فرهنگی در یک منطقه جغرافیایی و امکان دسترسی آسان و سریع به آنها و فراهم آمدن زمینه های ظهور و بروز خلاقیت های فکری و تعالی اجتماعی و تمدنی است. این موضوع همواره توجه سیاستنامه نویسان ایرانی- اسلامی قرار گرفته و براین مسئله تأکید دارند که امکانات و منابع علاوه بر تأمین معاش نقش مؤثری در حصول به اهداف طبیعی و متعالی جامعه انسانی دارند. دارابی وجود منابع مادی (طبیعی)، نخبگان و خصایل فرهنگی را از جمله مهمترین منابع جامعه ایرانی و از ضروریات مهم در آداب مسکن بر شمرده، می نویسد: "چون که جمیع اینها مدخلی عظیم در سرور و نشاط و حیات و راحت و امنیت و فراغت نفس و بدن دارند و در نبودن اینها و اختلال عظیمی از برای نفس و دین و بدن می باشد" (دارابی، ۲، ۱۳۸۱/۷۲۱). شاید از این رو است که عنصر المعالی توصیه می کند بهترین مکان برای خرید خانه مرکز شهر است (ر.ک: عنصر المعالی، ۱۳۸۳، ۱۲۱).

### ۸-۳- ضرورت حاکمیت و مدیریت اجتماعی:

وجود سازمانهای سیاسی و نهادهای مدنی از اجزاء مهم اجتماعات انسانی است. این مسئله هم چنین در اندیشه سیاسی اسلام و سیاستنامه های ایرانی- اسلامی تصریح شده و قواعد و الزامات بهره برداری بهینه از آن توصیه و تأکید شده است. بر اساس این تفکر وجود حکومت عادل علاوه بر رشد ایمان و اجرای شریعت اسباب امنیت و آرامش مردم را فراهم می آورد. ایمنی و امنیت و دفع شر اشرار و کفار و دشمنان جز به وجود فرمانداران و ارکان حکومتی فراهم نمی آید. از این رو وجود یک حکومت که در راس آن رهبری عادل و مومن باشد، برای جامعه انسانی لازم است. مرحوم سبزواری بر رابطه جدی میان حکومت صالح و امنیت جامعه تأکید کرده نقش حکام را در سلامت جامعه و افراد موثر می داند و می نویسد: "بر امام لازم است که هرگاه متصدی امر سلطنت باشد، مأكول و ملبوس او چون فقیران و درویشان باشد.. و چون زینتها و تکلفات در مأكول و ملبوس و مفروش و مسکن و مرکوب کم شود و مؤنتها آسان گردد، خرجها بر مردم سبک می شود و باعث معموری ملک و رعیت و لشکر می گردد.. مثلاً، هرگاه مردم منازل سیار جهت سکنی خواهند و به قدر ضرورت اکتفا نکنند... بالضروره گرانی اجناس مأكولات و غیرها لازم آید. و چون گرانی بسیار شود، بعضی مردم متفرق شوند و جلای وطن کنند .. مرتبه مرتبه به تخریب ملک منتهی شود(ر.ک: سبزواری، ۴۶۸، ۱۳۸۳) از این رو وجود حکام نالایق و ضعیف سبب تفرقه و خرابی بلاد و ناامنی و جلای وطن می شوند(ر.ک: نواب، ۱۹۶، ۱۳۷۶؛ کرژن، ۱۳۸۰).

۹-۳-وسعت خانه:

دارابی در تعریف وسعت مسکن می نویسد: "پس وسعت آن، یعنی بزرگی ساحت آن، و بسیاری بیوتات آن"(دارابی، ۱۳۸۱، ۲/۷۲۹). در سیاست نامه های ایرانی اصل وسعت در خانه مطلوب و ممدوح بوده و در بیان آداب مسکن می نویسند: "و خانه و مسکن را وسعت دار قرار بدهد و بگیرد؛ چون که مطلق وسعت را در تفرج و انبساط نفس، مدخلی می باشد، خصوصاً در مسکن و منزل... وسعت خانه، مبارک و میمون است، و از جمله تلخی زندگانی او تنگی خانه او است، و تنگی خانه مشوم است"(دارابی، ۲/۱۳۸۱-۷۲۸-۷۲۶). البته صرف داشتن خانه بزرگ شرط نیست بلکه این خود دارای لوازم و شرایطی است که مجال بحث آن در این مقال نمی گنجد و به عبارتی از دارابی بسنده می شود که معتقد است همین بس که خانه بزرگ در صورتی نیکو است که منجر به اسراف و تبذیر نشود (ر.ک: دارابی، ۲۲۴، ۱۳۷۵).

۱۰-۳-زمان خرید:

اهمیت عنصر زمان در تهیه و خرید مسکن یکی دیگر از اصول مهم در آداب مسکن به شمار می رود. دارابی در این زمینه می نویسد: "و مکانی را که ابتدا می نماید، بنای ابتدای آن را در روز یکشنبه بگذارد تا آن که موافق زمان ابتدای خلق فرمودن خداوند، آسمانها را باشد و مورث استحکام و برکت گردد." و در جای دیگری می نویسد: "و تحویل و انتقال از مواضع تابستانی به زمستانی و برعکس آن، در شب یا روز جمعه بنماید"(دارابی، ۱۳۸۱، ۲/۷۲۳-۷۲۶).

۱۱-۳-خرید مسکن:

پس از عنصر مکان و زمان و ملاحظات در این باب نوبت به خرید منزل می‌رسد. یکی از عناوین فصول سیاستنامه های فارسی عبارت است از "درباب خرید ضیاع و عقار". در این زمینه نیز نکاتی وجود دارد که گاه با ادبیات دینی ناسازگار بوده و حکایت از رونق بازار دلالی و سوداگری در خرید مسکن در اعصار مختلف دارد. عنصر المعالی در سفارش به فرزند؛ او را بر مواظبت بر سود و زیان در کار خرید و فروش نهیب می‌زند و توصیه می‌کند تا سرمایه اش را صرف امور مشخص نموده، اسراف نکند و هر چیزی را به خاطر ارزان بودنش نخرد و عجله نکند تا کارها بر وفق مراد پیش برود (ر.ک: عنصرالمعالی، ۱۱۹، ۱۳۸۳-۱۲۱).

#### ۴- آداب ساخت خانه (اجزاء مصالح و تزئینات):

۴-۱- متناسب با نیازهای فرد:

توجه به نیازهای مختلفی که انسان در مسکن به آن احتیاج دارد و سابقه تاریخی و فرهنگی ایران و اقلیمهای متفاوتی که در این منطقه وجود دارد؛ ما را متوجه تنوع و تفاوت در ترکیب، اجزاء مصالح و تزئینات منزل و خانه می‌نماید. این موضوع البته مورد توجه سیاستنامه‌نویسان فارسی زبان بوده است. مولف تحفه الملوک می‌نویسد "به قدر حاجت و مصلحت خود بسازد؛ از قبیل بیرون خانه و جای مردان و اندرون خانه و مأوای زنان و محل نماز و مقام ضیافت و مهمان‌خانه و مربوط و جای دواب و حیوانات و جای عبید و اماء و خدمه و جای آتش و مطبخ و جای ذخایر و اقوات و اموال و جای تابستان و زمستان و جای روز و شب و امثال این‌ها که همگی از اسباب وسعت خانه و صلاح نفس و بدن و مطلوب عقل و شرع است" (دارابی، ۲، ۱۳۸۱/۷۲۳).

۴-۲- توجه به تغییرات اقلیمی و طبیعی:

در میان عوامل طبیعی اثر گذار بر شکل و نوع خانه‌ها شرایط طبیعی و اقلیمی سهم به‌سزایی دارد. به عنوان مثال از مدت‌ها پیش در شمال ایران، خانه‌ها از چوب ساخته شده است و سقف آنها از ساقه‌های خشکیده برنج به هم کوفته پوشانده می‌شد. همینطور در فلات مرکزی ایران خانه‌ها معمولاً از خشت یا گل بود و سقف آنها با تیرهای چوبی و روی آن حصیر یا گل بودپیر می‌شده و در مناطق کوهستانی، خانه‌ها از سنگ ساخته می‌شدند (ر.ک: راوندی، ۱۳۸۲، ۱۸۸/۳) و در مناطق کویری مانند سیستان با استفاده از گل و ریگ و سنگ خارا سقف و دیواره خانه‌ها ساخته می‌شد (ر.ک: سیستانی، ۱۶، ۱۳۸۳).

۴-۳- الگوی خانه سازی:

خانه‌های ایرانیان در دوران اسلامی دارای اجزاء و عناصر مختلفی بوده و ترکیب، ساختار و کارکرد مسکن از مهمترین مقولات در طراحی و برپایی آن به‌شمار می‌آمد. علاوه بر این مطابق با اخبار سیاستنامه به دست می‌آید که یکی از الزامات مهم در ساخت خانه همسویی آن در همه مراحل با احکام دینی و قواعد حقوقی و اخلاقی جامعه اسلامی بوده است. از آن جمله توجه به محل خواب، پذیرایی، محل حضور نسوان، انبار و نگهداری حیوانات و جهت قبله است که از آن میان مورد اخیر یکی از اولویتهای مهم در طراحی منزل بود (ر.ک: عنصرالمعالی، ۲۵۴، ۱۳۸۳).



#### ۴-۴- حد ترخص خانه:

این مهم از ابعاد مختلف مورد توجه متون اسلامی و سیاستنامه‌ها بوده، در زمره حق الناس بیان شده است (ر.ک: شهیدثانی، ۱۳۱۰هـ-۱۰۵). سیاستنامه نویسان ایرانی-اسلامی در مقام انتقال این پیام و تبیین آن عموماً از بیان قصص و اخبار گذشتگان بهره گرفته (ر.ک: العلوی، ۱۹۵، ۱۳۸۴-۱۹۴) و عواقب عدم توجه به این مهم را گوشزد کرده اند (ر.ک: دارابی، ۱۳۷۵، ۱۱۶).

پس از این نوبت به امنیت و رفاه اعضاء خانه می‌رسد. این وجه بیشتر مدنظر بوده و شاید از این رو است که بلند نمودن دیوار را تجویز نموده (ر.ک: عنصرالمعالی، ۱۳۸۳، ۱۲۲؛ دارابی، ۲، ۷۲۷/۱۳۸۱) و توصیه‌هایی را برای دفع خطرات ناشی از آن بیان کرده اند که بعضاً برگرفته از اخبار و نصوص دینی است (ر.ک: دارابی، ۱۳۸۱، ۷۲۳/۲).

#### ۴-۵- اجزاء و ترکیب خانه:

از دیگر قسمت‌های خانه سقف یا آسمانه است (ر.ک: عنصرالمعالی، ۱۳۸۳، ۳۰۹). در این زمینه نیز سیاستنامه نویسان نکاتی را در جهت تصریح بر تبعیت از آموزه‌های دینی در آداب مسکن بیان کرده اند. دارابی با رویکرد فقهی-اخلاقی به این موضوع پرداخته و می‌نویسد: "سقف‌های بیوتات و مساکن آن را زیاد بر قدر حاجت و ضرورت معیشت، که مقدار هشت ذراع شرعی است که شانزده وجب است، ننماید،" وی عدول از این حد را از اسباب ریا و طغیان و ترفع و مباحات و تفاخر نفس می‌داند (ر.ک: دارابی، ۲، ۷۲۲/۱۳۸۱) و برخی دیگر نظراتی درباره مصالح و کاربرد قسمت‌های مختلف داشته و معتقدند سقف خانه باید محجر باشد و کسی در آنجا رفت آمد نکند (ر.ک: طوسی، ۱۳۷۸، ۳۰۸) یا درب‌ها را باید بلند و گشاده بسازند (ر.ک: اصفهانی، ۸۷، ۱۳۶۴).

#### ۴-۶- سرسبزی خانه:

یکی دیگر از مسائل مهم در منزل لزوم فراهم آوردن ابزار نشاط و شادابی است. مولف کاشت درخت و گیاهان مختلف را باعث شادابی و طراوت محیط خانه می‌داند و می‌نویسد: "و آبیاری و حق‌گزاری آن را بنماید یا آن که آن را در وقت رسیدن به کمال خود قطع نماید (ر.ک: دارابی، ۲، ۷۲۵/۱۳۸۱)

#### ۴-۷- نگهداری حیوانات و اضافات:

با توجه به شرایط و نوع زندگی گذشته، اختصاص مکانی برای نگه‌داری حیوانات و انبارهایی برای نگهداشت اضافات منزل ضرورت می‌یافت (ر.ک: خنجی، ۱۹۵، ۱۳۶۲-۱۹۸). نیاز مردم به حیوانات متفاوت بود و نگهداری آنها هم آداب مخصوصی داشت. مثلاً درخصوص حیواناتی چون سگ که نجس‌العین بود مسئله حفظ طهارت بسیار مهم بود (ر.ک: دارابی، ۲، ۷۲۵/۱۳۸۱). دسته دیگر حیواناتی بودند که انسانها از اجزاء و فراورده‌های آنها برای ارتزاق و کسب استفاده می‌کرد و گاه ضرورت نگه‌داشت آنها برای جذب نعمات و دفع شر و مصیبت‌هایی بود که مبتلا به انسان بود. دارابی می‌نویسد: "گوسفند و مرغ و کبوتر و گربه و امثال این‌ها را، در خانه جای بدهد تا آن که اطفال جن به آنها مشغول شوند و اذیت و آفت به اطفال صاحب‌خانه نرسانند و تا این که ایضا سبب نزول رحمت خداوند باشند" (دارابی، ۲، ۷۲۶/۱۳۸۲)

#### ۸-۴-زینت مسکن:

یکی دیگر از موارد مهم تزئینات و الحاقیات مسکن است که عمدتاً برای جلوه‌نمایی و زیبایی بنا به کار می‌رود. در این زمینه نیز اساس مطالب سیاستنامه‌ها برگرفته از اخبار دینی است. در این میان آثاری که عموماً با صبغه فقهی-اخلاقی نوشته شده، سادگی منزل را از آداب مسکن و نشانه عقل و ایمان دانسته و غیر آن را جائز نمی‌دانند (دارابی، ۱۳۸۱، ۷۲۷/۲). فهم قرینه‌های مرتبط با این حکم در این دسته منابع چنان است که مثلاً گچ‌کاری و آجرکاری و "نقش و نگار و صور و تماثیل در سقف و حیاطین و درها و پنجره‌ها و پرده‌ها و فرش‌ها" را اسباب لهو و لعب و مایه غفلت و تضييع مال و عمر و دین و نفس دانسته و تنها بر دو عنصر گل و خشت تاکید دارند (ر.ک: دارابی، ۱۳۸۱، ۷۲۷/۲). این موضوع البته مورد توجه متون دینی هم بوده است (ر.ک: کلینی، ۱۳۸۹، ۸/۱۳۰).

در عین حال برخی دیگر از همین منابع، زینت را از اجزای اصلی خانه بر شمرده و بر حفظ آن توجه دارند. عنصر المعالی به فرزندش توصیه می‌کند: "و چون تجمل ساختی بهر ضرورتی و دربايستی که ترا بود تجملی از خانه مفروش و مگوی که: ای مرد اکنون ضرورتست بفروشم و وقتی دیگر که به ازین بکار آید باز خرم که اگر بهر خللی چیزی از تجمل خانه بفروشی به امید عوض باز- خریدن، عوض باز خریده نیاید و آن خود از دست تو بشود و خانه تهی گردد" (عنصر المعالی، ۱۰۶، ۱۳۸۳).

#### ۵-حقوق مسکن:

با توجه به جایگاه و اهمیت مسکن در نزد عقل و شرع و نقش آن در رشد فردی و اجتماعی انسان؛ بدیهی است توجه و مراقبت از آن هم دارای ضرورت عقلی و شرعی است و غفلت از آن سبب دفع برکات و عدول از این جایگاه می‌شود. از سیاستنامه‌های ایرانی-اسلامی و گزاره‌های فقهی و اخلاقی دین استفاده می‌شود که رعایت آداب مسکن که ما آن را تحت عنوان حقوق مسکن خطاب کرده ایم؛ از جمله تکالیف شرعی انسان مسلمان است.

#### ۱-۵-نظافت و پاکیزگی:

دارابی در این باره می‌نویسد: "و همیشه آن را به آب و جاروب، نظیف و پاکیزه نگاه دارد که مورث وسعت رزق و مزیل فقر است، خصوصاً در خانه را که گشودن و آب پاشیدن و جاروب نمودن آن قبل از طلوع آفتاب در هر روز مورث وسعت و گشودگی امور او و دوری از سیرت یهود است. و خاک‌روبه را در خانه و در پشت در خانه جای ندهد که مأوا و مسکن شیاطین است. و خانه عنکبوت را ایضا نگذارد که مسکن شیطان و مورث فقر است." (دارابی، ۲، ۷۲۶/۱۳۸۱).

#### ۲-۵-خواندن ادعیه مأثوره:

یکی از سفارشات مهمی که در بیان آداب منزل شده خواندن ادعیه مأثوره در آن است (ر.ک: ابن شعبه، ۱۸۳، ۱۳۸۲). این موضوع مورد اهتمام و توجه مولفان سیر الملوک هم بوده است. دارابی در این خصوص می‌نویسد: "و هر وقت که داخل یا خارج از خانه می‌شود ادعیه مأثوره را، که مضمون آن‌ها مشتمل بر طلب فتح و فیروزی و وسعت و برکت و عافیت است، بخواند آن که همین مطالب را به هر زبانی که خواهد از خداوند طلب نماید" و می‌افزاید: "و مخفی

## چهارمین کنگره اسکناس الگوی اسلامی ایرانی؛ پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

نماند که تخلف نمودن این مقوله از ادعیه و اوراد و اثر ندادن آن‌ها، به سبب عدم استمرار و عدم حسن اعتقاد است  
لاغیر" (دارابی، ۱۳۸۱، ۲/ ۷۲۷-۷۲۶).

۳-۵-روشنایی خانه:

یکی از مقولات مورد تاکید متون روایی توجه به مقوله نور و روشنایی است (متقی، بی‌تا، ح ۴۴۱۵۴). این اعتبار در اعتقاد دینی و فرهنگی مسلمانان وارد شده و در آداب مسکن جایی به خود اختصاص داده است. در متون سیاستنامه هم تصریح شده که فرد باید از قرار گرفتن در محل‌های تاریک حذر کند. چنانکه روشنایی خانه را نشانه فضل و کمال فرد و مسکن دانسته و وجود چراغی در منزل را علامت حضور اهل خانه (ر.ک: اصفهانی، ۵۸، ۱۳۶۴) یا بیانگر وقوع خبری مهم یا نشانه رفت و آمد در آن مکان می‌دانند. از جمله توصیه‌های مهم در این زمینه آن است که "در شب، چراغ را قبل از غروب آفتاب روشن کند که مزیل فقر است" (دارابی، ۲، ۱۳۸۱/۷۲۶).

۴-۵-عمران و مرمت خانه:

این موضوع چنان از اهمیت برخوردار است که مولف تحفه الملوک آن را از جمله حقوق دیگران بر انسان و مظاهر "تقوا و دین داری" می‌داند و در بیان اهمیت جایگاه عمران مسکن می‌نویسد: "و اگر خود قدرت بر حفظ و تعمیر و مرمت آن ندارد آن را بفروشد و حق آن را ضایع نکند" (دارابی، ۷۲۵، ۱۳۸۱).

۵-۵-امنیت خانه:

دفاع از منزل یکی از ضروریات عقلی و شرعی و از جمله آداب مهم مسکن به شمار می‌رود. مولف تحفه الملوک در این زمینه دستورالعمل‌های کاربردی را برای حفظ امنیت خانه ارائه داده چنانکه می‌نویسد: "و در شب در خانه را ببندد و کلید را مستور و پنهان دارد و غلق و کلید آن را به سمت راست قرار دهد" (دارابی، ۷۲۷، ۱۳۸۱).

۶-۵-ورود و خروج:

دارابی در زمره آداب مسکن به ورود و خروج آن نیز پرداخته و می‌نویسد: "و در وقت بیرون رفتن، اهل خانه را اخبار نماید، مگر این که مصلحت در ضمن اخفا بوده باشد. و در وقت داخل شدن ایضا اعلام نماید" (دارابی، ۷۲۷، ۱۳۸۱).

۷-۵-حقوق همسایه:

عنصر المعالی در عبارتی لطیف درباره حق همسایه سخن گفته و بخشی از آن عبارت است از: "حق و حرمت همسایه نگه‌دار... و بهر شغل که همسایه را باشد با وی موافقت کن. پس ناکردنی مکن و ناگفتنی مگوی که هر کس که آن کند که نباید کردن آن بیند که نباید دیدن" (عنصر المعالی، ۱۲۲، ۱۳۸۳-۱۲۱).

### ۶- منکرات و محتسب در آداب مسکن:

یکی از لوازم حفظ امنیت خانه مقابله با منکرات و انحرافات است که عمدتاً در حیطة وظایف حکومتی قرار می‌گیرد. تنظیم قوانین، ایجاد نهادهای نظارتی و محاسبه‌ای و برخورد با خاطیان از جمله اموری است که در تمدن

## چهارمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی: پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

اسلامی مورد توجه بوده و متون سیاستنامه آن را ابعاد امنیت اخلاقی، دینی و اجتماعی مورد توجه قرار داده و به جهت جایگاهی که در منابع اسلامی دارند بیشتر به شرح و تفضیل آن مبادرت ورزیده اند.

همانطور که رعایت آداب مسکن تکلیف و کمال است تخلف از آن نیز از منکرات محرز و مصداق تجاوز و حق الناس بوده و حمایت از مظلوم و نظارت بر اجرای تکالیف و برخورد با متخلفان از کارویژه های مهم حکومت بشمار می رود که به محتسب تفویض شده است. برخی از مصادیق این گونه عبارتند از اینکه: تجاوز به مرز ملک همسایه یا حریم خانه او، گذاشتن سرچوب های پوشش سقف خانه بر روی دیوارهای دیگری، وارد شدن دود همسایه به خانه، خراب شدن دیوار خانه به واسطه ریشه درختان همسایه، قرار دادن ستون خانه ها، دکانها، وسایل داخلی و کاشتن درخت در مسیر عمومی و خیابانها، بستن حیوانات در بیرون خانه و بر سر راه مردم، آب ریختن بر سر راه مردم (ر.ک: خنجی، ۱۳۶۲، ۱۹۸) و مواردی از این قبیل که نیاز به دادرسی دارد. در این موارد قاعده بر این است که تا زمانی که آن همسایه شکایت نکرده، برای محتسب جایز نیست اعتراض کند. در چنین مواردی صاحب حق می تواند عفو یا مطالبه کند. اما اگر صاحب حق نزد محتسب شکایت کند، بر محتسب جایز است به این شکایت رسیدگی و متجاوز را به رفع تجاوز الزام کند و نیز برحسب شواهد و قراین به تأدیب او دست یازد. ولی چنانچه دو طرف با یکدیگر نزاع داشته باشند و دعوی هم را انکار کنند قاضی به رسیدگی به این نزاع شایسته تر است (ر.ک: ماوری، ۵۰۴، ۱۳۸۳، ۵۰۳). خنجی همچنین به نقل از امام غزالی برخی از موارد منع تجویز محتسب را بیان کرده است. به عنوان نمونه جائز نیست که محتسب به قصد آن که بدانند در کدام خانه منکری و حرامی انجام می شود تجسس کند و همسایگان هم نباید او را از این قضیه مطلع گرداند (ر.ک: خنجی، ۱۳۶۲، ۱۷۶). به اعتقاد خنجی در منکرات مسکن، محتسب زمانی باید وارد عمل شود که آن منکر ظاهر باشد و او با چشم خود آن را ببیند و تنها به شواهد اکتفا نکند (ر.ک: خنجی، ۱۳۶۲، ۱۸۸) و در مواجهه با منکرات باید مراتب تخلف را بررسی کند و آنها را در دو گروه منکری که معلوم است و منکری که مظنون است قرار دهد. اما برخورد با منکر معلوم همان مراتبی است که در دین برای امر به معروف و نهی از منکر آمده و در مورد منکری که مظنون است توصیه می کند محتسب را نخست به تحقیق و تجسس و در صورت اثبات اتهامش حق دارد حکم را در مورد او جاری می سازد (ر.ک: خنجی، ۱۳۶۲، ۱۹۸-۱۹۹). وی اگرچه در تهیه و ساخت خانه اهل ذمه را مختص کرده (ر.ک: خنجی، ۴۴۷، ۱۳۶۲)، اما در خصوص منکرات تفاوتی میان اقشار مختلف مردم نمی گذارد و صبی و مجنون و مسلمان و کافر را در برابر قانون یکسان می داند (ر.ک: خنجی، ۱۳۶۲، ۱۸۳).

### نتیجه:

- ۱- مسکن در اندیشه اسلامی - ایرانی مبتنی بر آثار سیاستنامه نویسی با فطرت و طبیعت انسان، اعتبار عقلی و حجیت شرع پیوستگی دارد و قواعد و اصول کلی آن با نظام تکوین و تشریح همسو و هماهنگ است. به همین جهت توجه به مسکن و رعایت حقوق و آداب آن از نشانه های تقوا و رستگاری است و در زمره تکالیف دینی قرار گرفته است.
- ۲- مسکن در اندیشه اسلامی - ایرانی یکی از ارکان مهم تمدنی است و مؤلفه های مؤثر بر اعتلا و سقوط تمدن در مسکن ظهور می یابد. خلاقیت های فرهنگی و تمدنی از اینجا نشات گرفته و بر پیرامون خود اثر می گذارد.

# چهارمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- ۳- در سیاستنامه های اسلامی- ایرانی اهمیت و جایگاه مسکن در قالب فلسفه و الهیات اجتماعی و در ذیل تدبیر منزل و سیاست مدن مطرح شده و بیش از هر چیز بر ذات ذی وجود مسکن و نسبت آن با کمال توجه شده است.
- ۴- رهیافت اصلی آن است که طراحی و تدوین الگوی مسکن در اندیشه اسلامی- ایرانی مبتنی بر الزامات شرعی و عقلی و اهمیت گزاره های اخلاقی به عنوان پشتوانه اجرای اصول و تحقق اهداف است و حراست از این مهم از کارویژه های اساسی حکومتها به شمار می رود.
- ۵- سیاستنامه نویسان اسلامی- ایرانی؛ پس از ارزشگذاری به انسان و توجه جدی به نیازهای طبیعی و حیاتی او در ارتباط با مجموعه خلقت، حدود اختیارات و آزادی های فردی را بیان کرده؛ همزمان راهکارهایی برای برخورداری از امکان حمایت اعلامی، نظارت اعمالی و هدایت عمومی در جهت همسویی مقوله مسکن با مصالح عمومی، تعالی فردی و کمال اجتماعی ارائه داده اند.

## پیشنهادات و راهکارها

- ۱- ضرورت تالیف و نشر دایره المعارف تمدن اسلامی با رویکرد مطالعات تطبیقی درباره چپستی، چرایی و چگونگی تمدن اسلامی
- ۲- تدوین الگوی جامعه مطلوب اسلامی- ایرانی با رویکرد مطالعات تاریخی
- ۳- ضرورت طراحی رشته مستقل دانشگاهی- حوزوی- میان رشته ای باهدف راهبرد مدیریتی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت
- ۴- ضرورت تدوین کتبی همسان با سیاستنامه ها معطوف به اهداف، منابع و موانع جامعه امروزی و ایجاد امکان خلاقیت فرهنگی- تمدنی همسو با نظام تکوین و تشریح

## فهرست منابع

- ابن شعبه (۱۳۸۲)، تحف العقول، ترجمه محمد صادق حسن زاده، قم: آل علی.
- اصفهانی، محمود (۱۳۶۴)، دستور الوزاره، تهران: امیر کبیر.
- خنجی، فضل بن روزبهان (۱۳۶۲)، سلوک الملوک، تهران: خوارزمی.
- دارابی، جعفر (۱۳۷۵ ه.ش)، میزان الملوک و الطوائف، قم: دفتر تبلیغات اسلامی
- (۱۳۸۱ ه.ش)، تحفه الملوک، قم: بوستان کتاب.
- راوندی، مرتضی (۱۳۸۲)، تاریخ اجتماعی ایران، تهران: نگاه.

# چهارمین کنگره‌های اسلامی ایرانی: پیشرفت ایران؛ گذشته، حال، آینده؛ سی‌ام و سی‌ویکم اردیبهشت ماه ۱۳۹۴

- راوندی، فضل‌الله. (۱۳۷۰)، النوادر، قم: موسسه دارالکتاب.
- سبزواری، محمد باقر. (۱۳۸۳)، روضه الأنوار عباسی، تهران: میراث مکتوب.
- سیستانی، ملک شاه حسین. (۱۳۸۳)، احياء الملوك، تهران: علمی و فرهنگی.
- شهیدثانی. (۱۳۱۰هـ)، مسکن الفواد، قم: بصیرتی.
- العلوی‌العاملی، محمد عبد الحسیب. (۱۳۸۴)، قواعد السلاطین، تهران: مجلس شورای اسلامی.
- عنصر المعالی، کیکاووس بن اسکندر. (۱۳۸۳)، قابوس نامه، تهران: علمی و فرهنگی.
- طوسی، نظام‌الملک. (۱۳۷۸)، سیر الملوك، تهران: علمی و فرهنگی.
- غازی ملطیوی، محمد. (۱۳۸۳)، روضه العقول، تهران: آثار.
- کراجکی، ابوالفتح. (۱۴۱۰)، کنزالفوائد، قم: دارالذخائر.
- کرژن، جورج ناتاییل. (۱۳۸۰)، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلام علی وحید مازندرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- کلینی، محمد. (۱۳۸۹)، الکافی، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ماوردی، أبو الحسن علی. (۱۳۸۳)، آیین حکمرانی، تهران: علمی و فرهنگی.
- متقی هندی (بی تا): کنز العمال، بیروت: موسسه الرساله.
- مجلسی محمدباقر. (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: الوفاء..
- نواب تهرانی، مهدی. (۱۳۷۶)، دستور الأعقاب، تهران: تاریخ ایران.